

حمله اوکراین به کشتی ایرانی



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

درحالی‌که آمریکا حملات ۱۳روزه‌اش را جمعه‌شب متوقف کرد، حمله غیرمنتظره اوکراین به یک کشتی تجاری ایرانی که روز شنبه در دریای خزر رخ داد، منشأ تحولی جدید در جنگ ایران و آمریکا به شمار رفته است. در اینکه این حمله یک بُعد جدید و مهم به جنگ افزوده و برخی از آن به عنوان گامی دیگر در جهت گسترش افقی یا حداقل عوارض جنگ یاد کرده‌اند، تردیدی نیست، اگرچه هنوز روشن نیست که آیا می‌توان این اتفاق را در حکم ایجاد یک جبهه جدید در جنگ بین ایران و آمریکا به شمار آورد یا خیر. تا اینجا روشن است که این تعرض اوکراین به لحاظ عملی جنگ در خلیج فارس را از جهاتی به جنگ اوکراین در شرق اروپا متصل کرده است. وال‌استریت‌ژورنال از این حادثه به عنوان «داخل رسمی دو جنگ» اسم برده است.

رئیس‌جمهور اوکراین مدعی شده این حمله که از فاصله هزار و ۲۰۰ کیلومتری انجام شده، اقدامی علیه یک «محموله نظامی حامل قطعات پهپاد و موشک» بین روسیه و ایران بوده است. ایران این ادعا را تکذیب و محموله کشتی را آهن‌آلات ذکر کرده است. در ادعای زلنسکی این اتفاق به پهپادهای شاهد و نیز ادعای ارائه اطلاعات ماهواره‌ای روسیه به تهران برای هدف‌گیری تاسیسات نظامی آمریکا ربط داده شده است. این در حالی است که برخی ناظران اخبار غیررسمی درباره ارائه اطلاعات ماهواره‌ای را اگر درست باشد، واکنش مسکو به دادن امکاناتی توسط غرب به اوکراین برای زدن تاسیسات انرژی در بخش اعظم روسیه تلقی کرده‌اند.

حمله به کشتی تجاری ایرانی در دریای خزر در حالی است که اوکراین در اوایل تجاوزات اسرائیل و آمریکا به ایران و واکنش ایران علیه پایگاه‌های آمریکایی در برخی کشورهای عربی، داوطلب همکاری با این کشورها با هدف مقابله با پهپادهای ایرانی شده بود. ادعای اوکراین این بود که طی بیش از چهار سال گذشته در مقابله با پهپادهای شاهد تخصص کسب کرده است. این اتفاق جدید در دریای خزر در بستر اقدامات قبلی علیه ایران، بیش از پیش اوکراین را وارد معادلات خاورمیانه کرده است.

چند سؤال درمورد این اقدام تجاوزکارانه اوکراین مطرح است:

۱- درحالی‌که اوکراین از این طریق توانایی خود را برای هدف قراردادن کشتی‌ها در خزر نشان داده، آیا قصد اوکراین فقط انجام یک حمله ایذایی بوده یا آن کشور قصد ادامه مستمر این حملات را در آینده دارد.
۲- آیا هدف این اقدام اوکراین اعمال فشار اقتصادی بر ایران از طریق ایجاد اخلال در کریدور اصلی لجستیک دریایی بین ایران و روسیه و آسیای میانه و قفقاز بوده یا اهداف نظامی نیز از سوی اوکراین دنبال می‌شود. اهمیت این کریدور تجاری از این جهت است که بعد از شروع مجدد سطره دولت و همه‌کاره‌بودن آن و اهمیت هرجه توانمندترشدن جامعه برای غلبه بر این معضل تاریخی را برداشت کرد. چنان‌که دکتر غنی‌نژاد بر سه اصل آزادی، قانون و مالکیت خصوصی به‌عنوان اصول مدرنیته (که همان اصول لیبرالیسم می‌دانستند) پای می‌فشرد و اینکه «مشکل ایران، نبود آزادی در حوزه‌های مختلف و ازجمله در حوزه اقتصادی است و علت آن، این است که به حقوق فردی احترام نمی‌گذاریم و دولت همه‌کاره است و فقط دستور در جامعه عمل می‌کند و قانون عمل نمی‌کند» و طرف دیگر بحث یعنی دکتر دخانچی نیز با ایشان هم‌صدا شده و

پاسخ به این سه پرسش، شاید در آینده نزدیک روشن کند که آیا با شکل‌گیری یک جبهه جدید در جنگ بین ایران و آمریکا مواجه هستیم یا این تحول فقط یک عمل ایذایی و محدود بوده است. فعلا پیش‌فرض همچنان این است که خلیج فارس، تنگه هرمز، دریای سرخ، عراق و سوریه جبهه‌های جنگ ایران و آمریکا هستند و به تازگی خزر و اوکراین نیز به نحوی به این جنگ ارتباط یافته‌اند.

مسئله این است که اگر جبهه جدیدی شکل بگیرد، در آن صورت ایران ناچار به انجام اقداماتی برای تأمین امنیت آب‌های شمالی کشور نیز خواهد شد. برای این منظور چاره‌ای جز اقدام به انتقال برخی امکانات و نفرات و منابع به دریای خزر وجود نخواهد داشت که می‌تواند منشأ فشارهای جدیدی باشد. همچنین ممکن است که ایران نیز ناچار به مقابله‌به‌مثل علیه اهدافی در دریای سیاه و شاید در خاک اوکراین شود. در این صورت واکنش آمریکا، اروپا و ترکیه چه خواهد بود؟ واکنش روسیه نیز در این رابطه مهم خواهد بود و می‌تواند مسکو را نیز بیش از پیش وارد معادلات جنگ ایران و آمریکا کند.

سه‌شنبه ۶ مرداد ۱۴۰۵
۱۳ صفر ۱۴۴۸
۲۸ جولای ۲۰۲۶
سال بیست و دوم
شماره ۵۴۳۸
۴۰ هزار تومان
۸ صفحه

در «شرق» امروز می‌خوانید:

در «شرق» امروز می‌خوانید: آتش زیر خاکستر در یمن؛ چرا شعله‌های جنگ دوباره زبانه کشید؟ • ۳۰ هنر مند برای غزه • زلنسکی به کاخ سفید می‌رود • در جاسک چه گذشت؟

پایان دوره ششم و اختلاف بر سر تفسیر قانون

شوراها میان قانون و مصلحت

گزارش نشریک را در صفحه ۶ بخوانید



گفت‌وگوی «شرق» با محمدرضایزدان پناه، نخستین مدیرعامل منطقه آزاد کیش درباره فرازوفرودهای توسعه این جزیره

مخالفت با واژه «آزاد» در «منطقه آزاد»



«شرق» در گفت‌وگو با ژند شکیبی، واکاوی می‌کند؛ آیا حمله اوکراین به کشتی ایرانی نشانه آغاز فصل تازه در تقابل تهران و کی‌یف است؟

ایران و جبهه سوم جنگ؟

یادداشت

دولت-جامعه؛ دو خط موازی یا متقاطع؟



حسین حقگو

کارشناس اقتصادی

عنوان می‌کند: «مسئله ما در ایران، این است که در واقع با دولت‌زدگی مواجه هستیم». توصیه دکتر غنی‌نژاد، آزادی در اقتصاد و سیاست و فرهنگ است و اینکه دولت برای آنکه نشان دهد طرفدار آزادی در حوزه اقتصادی است، «نهادهای مقوم ضد آزادی مانند سازمان حمایت و سازمان تعزیرات و شورای رقابت را منحل کند و بانک‌ها را آزاد بگذارد تا نرخ بهره سپرده تسهیلات را تعیین کنند و...». دکتر دخانچی نیز از تقویت جامعه سخن می‌گوید که یکی از عناصر مهم آن، بازار و رقابت‌های عادلانه در درون آن است (اقتصادنیوز- ۴/۲۸). اگر از پاره‌ای بحث‌های نظری بگذریم، آنجایی اختلاف دو طرف منظره بالا می‌گیرد که به سراغ تاریخ می‌روند و یک طرف (دکتر غنی‌نژاد) گفتار و عملکرد جریان روشنفکری چپ و چپ مذهبی، به‌خصوص دکتر شریعتی و جلال آل‌احمد و... را از مهم‌ترین دلایل ناکامی ایرانیان در چند دهه اخیر

یادداشت

توقف دو روزه جنگ اخیر و امید برای بازگشت به دیپلماسی



احسان هوشمند

و نیازهای موجود جنگی صورت گرفته باشد، اما هدف از توقف حملات نظامی هرچه باشد، در دو روز گذشته حداقلی از آرامش در منطقه ایجاد شده و آرامش شکننده فعلی می‌تواند به عنوان مقدمه‌ای برای حل‌وفصل پایدار مسائل پیچیده میان آمریکا و ایران تلقی شود و دو طرف از فرصت ایجادشده می‌توانند برای آغاز دور جدیدی از فعالیت‌های دیپلماتیک بهره ببرند. در حدود پنج دهه گذشته میان ایران و آمریکا تنش و مناسبات خصمانه‌ای شکل گرفته و گذشته از اشغال سفارت آمریکا در تهران و اقدام آمریکایی‌ها برای آزادسازی گروگان‌ها و قطع کامل مناسبات دیپلماتیک دو کشور، اعلام تحریم‌های گسترده آمریکا علیه ایران و استمرار حملات لفظی و سیاسی مقامات دو کشور به سنتی شناخته‌شده در مناسبات دو کشور مبدل شد. هرچند در دهه‌های گذشته از جمله در دوره اصلاحات و نیز پس از امضای برجام فرصت برای بازسازی روابط دو طرف فراهم شد اما از این فرصت استفاده نشد. امضای تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا در ماه گذشته دویساره امیدها را برای گذر از شرایط موجود زنده کرد. تفاهم‌نامه میان ایران و آمریکا که با مشارکت معاون رئیس‌جمهوری آمریکا و رئیس مجلس در ایران تنظیم و سپس توسط رؤسای جمهوری دو کشور امضا شد، ظرفیت زیادی برای تجدید مناسبات میان ایران و آمریکا از طریق فعالیت‌های دیپلماتیک را دارد و می‌توانست به‌سرعت به مبنایی برای گفت‌وگوهای جدی میان دو کشور مبدل شود، اما با آغاز دوباره درگیری‌های متقابل نظامی، این امید به‌سرعت به یأس گرایید. در شرایط کنونی که دوباره تا حدودی آرامش به منطقه بازگشته است و حملات آمریکا متوقف و در نتیجه ایران نیز از اقدام تلافی‌جویانه خودداری کرده است، آیا فرصت برای دیپلماسی مهیا می‌شود تا راه‌حلی خردمندانه و مطابق با منافع ملی برای کشور فراهم شود و از شرایط دشوار کنونی به سلامت گذر کند و برای چالشی دیرین و اساسی میان ایران و آمریکا به راه‌حلی پایدار و آبرومندانه دست یابد؟ مهم‌ترین چالش‌های چندوجهی کنونی کشور به‌گونه‌ای با مناسبات ایران و آمریکا پیوند خورده و یافتن راه‌حلی برای تجدید مناسبات و گذر از شرایط خطر کنونی می‌تواند به معنای عبور کشور از بخشی از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌رو باشد. در شرایطی که آتش‌بسی اعلام‌نشده در میدان جنگ برقرار شده، وظیفه دستگاه دیپلماسی است که از فرصت موجود بهره‌برداری دگاکتری و برای حل این منازعه تاریخی تلاش کند.

«شب‌های سفید» مجابی و روایتی از داستان‌های «دستگاه» و «مرگ در کاسهٔ سر»

خطاب

به نامدگان و آیندگان



برگزیده‌ها

جنگ پرهزینه در خاورمیانه محور مذاکرات ترامپ و نتانیاهو

نمایش سیاسی در کاخ سفید

بقائی: هیچ مذاکره‌ای با آمریکا نداریم

گزارش «حوادث و سوانح ۱۴۰۴» از تغییر الگوی بحران در ایران روایتی از مرگ‌بارترین حوادث و پرهزینه‌ترین بحران‌های سال

۱۴۰۴ سال سوانح مرگ‌بار

جایگاه «فاوست» در سنت فکری چپ: به مناسبت انتشار ویراستی تازه از ترجمه این نمایشنامه

تراژدی مدرنیته و توسعه سرمایه‌داری

نگاه

مدرسه در بحران

یادداشتی از مهدی ملک‌محمد، روان‌شناس

یادداشت

پایان امنیت وارداتی



حامدقوی‌او

کارشناس سیاست خارجی

نشانه‌هایی در خلیج فارس در حال ظهور است که وزن آنها از تمام سال‌های گذشته سنگین‌تر است. نشانه‌هایی که به‌روشنی از فرسایش مدل امنیت وارداتی حکایت دارد و تداوم آن، منطقه را در معرض بی‌ثباتی ساختاری قرار می‌دهد. کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس می‌توانند این پیام را با دقت بیشتری بخوانند؛ زیرا امنیتی که از بیرون تأمین شود، در لحظه تهدید کارکرد خود را از دست می‌دهد و حتی به عامل آسیب‌پذیری تبدیل می‌شود. حضور نظامی آمریکا، با هزینه سالانه سنگین و شبکه گسترده پایگاه‌ها، نتوانسته از وقوع بحران‌های امنیتی جلوگیری کند. ناکارآمدی‌ای که ریشه در ماهیت فرمانطقه‌ای این حضور دارد؛ حضوری که در آن منافع محلی هیچ‌گاه در اولویت قرار نمی‌گیرد. اتکا بر واشینگتن، در چنین فضایی یک ریسک راهبردی است. امنیت کشورهای عربی در ساختار تصمیم‌گیری آمریکا یک متغیر تابع است؛ تابع قیمت انرژی، رقابت قدرت‌های بزرگ و تابع اولویت‌های داخلی. این ساختار، اجازه نمی‌دهد واشینگتن نقش یک ضامن امنیتی پایدار را ایفا کند. در لحظه تهدید، آمریکا نه توان ورود به یک درگیری پرهزینه را دارد و نه اراده تغییر اولویت‌های خود را. حملات ۲۰۱۹ علیه تأسیسات نفتی که با حضور گسترده نظامی آمریکا رخ داد، نمونه‌ای از همین ناتوانی ساختاری است. چنین الگویی، افزون بر افزایش ساختارهای جاری، امکان تعریف یک هویت امنیتی مستقل را نیز از کشورهای منطقه سلب می‌کند. در برابر این وضعیت، ایران قرار دارد؛ قدرتی که امنیت خلیج فارس را یک مفهوم درون‌زا می‌داند. تهران، برخلاف مدل امنیتی غرب، امنیت منطقه را بر پایه گفت‌وگو، کاهش سوءظن و ایجاد سازوکارهای مشترک میان کشورهای منطقه تعریف می‌کند. این نگاه اگرچه در گذشته با برداشت‌های نادرست و رقابت‌های سیاسی مواجه بود، اما امروز قابلیت تبدیل‌شدن به یک چارچوب عملی را دارد.